

نقش راهبردی طلبه در مدیریت بحران‌های نسل سوم جنگ؛ بازخوانی الگوی جهاد و مقاومت

نویسندگان		وابستگی سازمانی
مرتضی روحی *		طلبه سطح یک، حوزه علمیه ولیعصر (عج)، بناب، ایران
اطلاعات مقاله		چکیده
نوع مقاله	علمی پژوهشی	در شرایط پیچیده و پویای ژئوپلیتیک معاصر، منطقه خاورمیانه با تهدیدات امنیتی و نظامی نوظهوری مواجه است که ماهیت آن‌ها فراتر از جنگ‌های کلاسیک رفته و به «نسل سوم جنگ‌ها» یا جنگ‌های ترکیبی و نامتقارن ارتقا یافته است. این نوع تهدیدات که ابعاد اطلاعاتی، روانی، اقتصادی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرند، نیازمند رویکردهایی نوین و چندجانبه برای مدیریت بحران هستند. در این میان، نهاد حوزه علمیه و قشر فرهیخته طلبگی به عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه اسلامی و بازوی فکری مقاومت، نقش غیرقابل انکاری در حفظ امنیت معنوی و اجتماعی ایفا کرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و تبیین نقش راهبردی طلبه‌ها در مدیریت بحران‌های ناشی از نسل سوم جنگ‌ها با تکیه بر الگوی موفق جهاد و مقاومت دوران دفاع مقدس است تا بتواند درس‌آموخته‌هایی کاربردی برای مقابله با چالش‌های پیش رو ارائه دهد. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است؛ بدین ترتیب که با گردآوری اسناد، کتب مرجع، مقالات علمی و بیانات بزرگان انقلاب، داده‌های لازم استخراج و مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طلبه‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های معنوی، آگاهی‌بخشی مذهبی و نفوذ اجتماعی، توانسته‌اند در دوران دفاع مقدس تاب‌آوری جامعه را افزایش داده و مانع فروپاشی روحیه ملی شوند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که تداوم این نقش در نسل جدید جنگ‌ها مستلزم احیای مفاهیم جهاد و مقاومت با ادبیاتی متناسب با مقتضیات زمان، تقویت سواد رسانه‌ای طلاب و تبدیل آن‌ها به مشاوران راهبردی در مدیریت بحران‌های نرم و سخت است. بنابراین، سرمایه‌گذاری بر آموزش تخصصی طلبه‌ها در حوزه‌های مدیریت بحران و شناخت فناوری‌های نوین، می‌تواند ضامن تحکیم پایه‌های مقاومت در برابر توطئه‌های دشمنان باشد.
صفحه	۵۳ - ۴۴	
دوره ۱، شماره ۴ (شماره پیاپی ۴)		
اطلاعات نویسنده مسئول		
نویسنده مسئول	مرتضی روحی	
کد ارکید		
تلفن	۰۹۱۴۵۷۶۱۸۹۷	
ایمیل	mortezaroohi1380@gmail.com	
سابقه مقاله		
تاریخ دریافت	۱۴۰۵/۰۱/۰۷	
تاریخ ویرایش	۱۴۰۵/۰۱/۰۸	
تاریخ پذیرش	۱۴۰۵/۰۱/۲۰	
تاریخ انتشار	۱۴۰۵/۰۴/۰۱	
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی	
واژگان کلیدی		طلبه، مدیریت بحران، جنگ نسل سوم، جهاد و مقاومت، حوزه علمیه
توضیحات		
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.		
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.		
نحوه استناد	روحی، مرتضی (۱۴۰۵)، «نقش راهبردی طلبه در مدیریت بحران‌های نسل سوم جنگ؛ بازخوانی الگوی جهاد و مقاومت»، ماهنامه علمی فقه، حقوق و مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، شماره پیاپی ۴، (تیر)، صفحات ۴۴ - ۵۳	
دهی		

The Strategic Role of Students in Managing the Crisis of the Third Generation of War; Rereading the Jihad and Resistance Model

Authors		Organizational Affiliation
Morteza Roohi*		Level 1 student, Vali Asr Seminary (A.j), Bonab, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Scientific Research	In the complex and dynamic conditions of contemporary geopolitics, the Middle East region is facing emerging security and military threats that have gone beyond classic wars and have been upgraded to “third generation wars” or combined and asymmetric wars. These types of threats, which also include informational psychological, economic, and cultural dimensions, require new and multilateral approaches to crisis management. In the meantime, the institution of the seminary and the educated class of students, as one of the main pillars of the Islamic society and the intellectual arm of the resistance, have played an undeniable role in maintaining spiritual and social security. The main purpose of this research is to analyze and explain the strategic role of students in managing crises resulting from the third generation of wars, relying on the successful model of jihad and resistance of the Holy Defense era, in order to provide practical lessons learned to deal with the challenges ahead. The present research method is descriptive-analytical and based on library study; Thus, by collecting documents, reference books, scientific articles, and statements of the great revolutionaries, the necessary data have been extracted and analyzed. The research findings show that students, by utilizing their spiritual capacities, religious awareness, and social influence, have been able to increase the resilience of society and prevent the collapse of national spirit during the Holy Defense. Also, the results indicate that the continuation of this role in the new generation of wars requires the revival of the concepts of jihad and resistance with literature appropriate to the requirements of the time, strengthening the media literacy of students, and transforming them into strategic consultants in the management of soft and hard crises. Therefore, investing in the specialized training of students in the fields of crisis management and recognizing new technologies can guarantee the strengthening of the foundations of resistance against the conspiracies of enemies.
Pages	44 - 53	
Volume 1, Issue 4, Forth Consecutive Issue		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Morteza Roohi	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09145761897	
Email	mortezaroohi1380@gmail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/03/28	
Accepted	2026/04/09	
Published Online	2026/06/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		Students, Crisis Management, Third Generation War, Jihad and Resistance, Seminary
Description		
All rights to this article belong to the authors.		
Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.		
How to Cite This Article	Roohi, Morteza (2026), “The Strategic Role of Students in Managing the Crisis of the Third Generation of War; Rereading the Jihad and Resistance Model”, Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 4, forth Consecutive Issue (June), pp. 44 – 53	

۱: مقدمه

امروزه جهان اسلام و به‌ویژه منطقه خاورمیانه در آستانه‌ای از تحولات امنیتی قرار دارد که کارشناسان نظامی و راهبردی آن را «نسل سوم جنگ‌ها» یا جنگ‌های ترکیبی می‌نامند؛ جنگی که در آن مرزهای میان میدان نبرد و جبهه داخلی، نظامی و غیرنظامی، و فیزیکی و سایبری کاملاً محو شده است (کرونین، ۲۰۲۱: ۴۵). این نوع تهدیدات که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی، عملیات روانی پیشرفته و تحریم‌های اقتصادی هدفمند، قصد تضعیف بنیان‌های هویتی و اجتماعی جوامع اسلامی را دارند، نیازمند پاسخی فراتر از ابزارهای صرفاً نظامی هستند. در چنین شرایطی، نهاد حوزه علمیه و طلبه‌ها به عنوان حافظان سنت دینی و پویاگران گفتمان مقاومت، نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. مسئله اصلی اینجاست که اگرچه تجربه تاریخی دوران دفاع مقدس نشان داد که حضور فعال روحانیت و طلاب در عرصه جهاد و مقاومت، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ انسجام ملی و معنوی جامعه داشت (طالقانی، ۱۳۶۸: ۱۱۲)، اما آیا الگوی حاضر فعالیت طلبه‌ها با مقتضیات پیچیده و چندلایه جنگ‌های نسل سوم همخوانی دارد؟ پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که ماهیت جنگ‌های امروزی از «تخریب زیرساخت‌ها» به «تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها» تغییر یافته است (بارنز، ۲۰۲۰: ۷۸). بنابراین، چالش اصلی برای نهادهای دینی، گذار از نقش‌های سنتی به نقش‌های راهبردی، تحلیلی و مدیریتی در بحران‌های کلان است. فقهای شیعه از دیرباز بر اهمیت «ولایت فقیه» و نظارت عالیه روحانیت بر امور جامعه در دوران غیبت تأکید داشته‌اند که این امر شامل مدیریت بحران‌های عمومی نیز می‌شود (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۵: ق: ۲۳۴). با این حال، شکاف دانشی بین ادبیات فقهی کلاسیک و مفاهیم مدرن مدیریت بحران و جنگ‌های نامتقارن، یکی از موانع اصلی در کارآمدسازی نقش طلبه‌هاست. برخی مطالعات اشاره می‌کنند که بسیاری از طلاب فاقد سواد کافی در زمینه شناخت تکنولوژی‌های جنگ نرم و پیامدهای روانشناختی آن‌ها هستند (سمیعی، ۱۴۰۰: ۵۶). از سوی دیگر، الگوی مقاومت در دفاع مقدس مبتنی بر بسیج توده‌ای و ایمان جمعی بود، اما در نسل سوم جنگ‌ها، مقاومت نیازمند هوشمندی اطلاعاتی و مقابله با روایت‌سازی‌های دشمن است. لذا، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان با بازخوانی انتقادی الگوی جهاد و مقاومت دوران دفاع مقدس و تلفیق آن با ظرفیت‌های فقهی-کلامی حوزه علمیه، نقش راهبردی طلبه‌ها را در مدیریت بحران‌های نسل سوم جنگ تعریف و تبیین کرد؟ بیانات مقام معظم رهبری نیز بر لزوم «جهاد تبیین» و آمادگی روحانیت برای مقابله با جنگ شناختی تأکید ویژه‌ای دارد (رهبری، ۱۳۹۹: ۱۸). عدم توجه به این تحول پارادایمیک می‌تواند منجر به حاشیه‌رانی نهاد مقدس ولایت و کاهش اثرگذاری آن در صحنه‌های حساس کنونی شود. بنابراین، ضرورت دارد تا با روشی کتابخانه‌ای و تحلیلی، خلأهای موجود در فهم کاربردی فقه جنگ و مدیریت بحران توسط طلاب شناسایی شده و مدلی بومی از «طلبه مدیر بحران» ارائه گردد که بتواند همسو با آموزه‌های اصیل اسلامی، تاب‌آوری جامعه را در برابر تهدیدات نوظهور افزایش دهد. این پژوهش تلاش دارد تا با پر کردن این شکاف نظری-عملیاتی، نقش طلبه را از یک ناظر منفعل به یک بازیگر فعال و راهبردی در اکوسیستم امنیت ملی ارتقا دهد.

۲: پیشینه‌شناسی

در این بخش از پژوهش به بررسی پیشینه‌های پژوهش به جهت شناسایی خلأهای نظری و عملی موجود در ادبیات موضوع، تمایز پژوهش حاضر با مطالعات گذشته و معرفی نوآوری‌های آن در ارائه مدل بومی مدیریت بحران توسط طلبه پرداخته خواهد شد.

کریمی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در جنگ شناختی علیه حوزه‌های علمیه»، چنین بیان کرده است که ظهور پلتفرم‌های دیجیتال جدید، روش‌های سنتی تبلیغ دینی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته و نیازمند بازتعریف الگوهای ارتباطی طلاب است؛ این پژوهش نشان می‌دهد که عدم تطابق محتوای تولید شده توسط برخی طلبه‌ها با زبان نسل جوان، منجر به کاهش نفوذ معنوی آنان در فضای مجازی شده و دشمن از این خلأ برای ترویج سبک زندگی غربی بهره می‌برد. بنابراین، تأکید بر آموزش مهارت‌های رسانه‌ای به طلاب به عنوان یک ضرورت راهبردی در برابر تهدیدات نرم مطرح می‌شود تا بتوانند در عرصه نبرد روایت‌ها پیروز گردند.

سید مهدی حسینی (۱۴۰۲)، در پژوهش خود با عنوان «واکاوی کارکردهای فقهی جهاد دفاعی در عصر هوش مصنوعی»، چنین بیان کرده است که توسعه فناوری‌های نظامی هوشمند، ماهیت فقهی جهاد را تحت تأثیر قرار داده و نیازمند استخراج احکام جدیدی درباره مشارکت غیرمستقیم در نبرد است؛ نویسنده با استناد به اصول فقهی مانند «لاضرر» و «احتیاط»، استدلال می‌کند که حضور طلبه‌ها در شوراها و نهادهای تصمیم‌گیرنده نظامی برای اطمینان از رعایت موازین شرعی در استفاده از سلاح‌های خودکار، نقشی حیاتی ایفا می‌کند و این امر مستلزم تسلط طلاب بر اخلاق جنگ نوین است.

نجفی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ ق)، در کتاب ارزشمند «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، چنین بیان کرده است که باب الجهاد یکی از مهم‌ترین ابواب فقه سیاسی شیعه است که در آن شرایط وجوب و استحباب جهاد، شرایط مجاهدین و حقوق اسرا با جزئیات دقیق تبیین شده است؛ اگرچه این اثر متعلق به دوران قدیم است، اما اصول کلی مطرح شده در آن، همچون حفظ جان مسلمانان و جلوگیری از فتنه بزرگ، پایه و اساس مدیریت بحران‌های انسانی در جنگ‌های امروزی است و فقه‌های معاصر برای استنباط احکام جنگ‌های ترکیبی، ناگزیر به رجوع به این منابع اصیل هستند تا از انحراف دستورات شرعی جلوگیری کنند.

رضایی و محمدی (۱۴۰۰)، در پژوهش خود با عنوان «نقش روحانیت در تاب‌آوری اجتماعی جوامع اسلامی در برابر تحریم‌های اقتصادی»، چنین بیان کرده است که تجربه تاریخی نشان می‌دهد که مداخلات مستقیم و غیرمستقیم روحانیت در توزیع عادلانه منابع و اقناع افکار عمومی، ضریب تاب‌آوری جامعه را در برابر شوک‌های اقتصادی ناشی از جنگ‌های اقتصادی افزایش می‌دهد؛ یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که طلبه‌هایی که شبکه‌های حمایتی محلی ایجاد می‌کنند، می‌توانند شکاف بین دولت و مردم را پر کرده و از تبدیل نارضایتی‌های اقتصادی به ناآرامی‌های امنیتی جلوگیری نمایند.

علوی، ح. (۱۳۹۹)، در پژوهش خود با عنوان «بازخوانی آموزه‌های امام خمینی (ره) درباره جایگاه طلبه در انقلاب اسلامی»، چنین بیان کرده است که امام خمینی (ره) طلبه را نه تنها یک عالم دینی، بلکه یک مبارز سیاسی و مدیر اجرایی می‌دانستند که باید در تمام شئون زندگی مردم حضور داشته باشد؛ این پژوهش با تحلیل بیانات ایشان در دوران دفاع مقدس نتیجه می‌گیرد که مدل موفقیت‌آمیز دوران جنگ تحمیلی، مدلی بود که در آن طلبه همزمان معلم، مشاور و فرمانده معنوی بود و این چندبعدی بودن نقش، کلید اصلی مقابله با بحران‌های چندلایه در آینده نیز خواهد بود.

سمیعی، م. (۱۴۰۱)، در پژوهش خود با عنوان «چالش‌های هویتی طلاب در مواجهه با گفتمان سکولار مدرن»، چنین بیان کرده است که هجوم ایده‌های سکولار از طریق کانال‌های فرهنگی نامتعارف، باعث سردرگمی بخشی از طبقه تحصیل‌کرده جوان نسبت به نقش نهاد دینی شده است؛ این پژوهش پیشنهاد می‌کند که حوزه‌های علمیه باید با تولید گفتمانی پویا و پاسخگویی به شبهات روز، اقتدار علمی خود را احیا کنند و طلبه‌ها باید با تسلط بر فلسفه و کلام جدید، توانایی دفاع عقلانی از مبانی مقاومت را در محافل آکادمیک و عمومی کسب نمایند.

کرونین، م. (۲۰۲۱)، در پژوهش خود با عنوان «استراتژی‌های ایران در جنگ‌های نامتقارن منطقه‌ای»، چنین بیان کرده است که جمهوری اسلامی ایران از ترکیبی از نیروهای نظامی رسمی و گروه‌های مردمی تحت رهبری ایدئولوژیک برای مقابله با تهدیدات استفاده می‌کند؛ او تأکید می‌کند که نقش مراجع تقلید و نهادهای مذهبی در مشروعیت‌بخشی به این استراتژی‌ها و بسیج افکار عمومی، عاملی تعیین‌کننده در بقای رژیم و موفقیت عملیات‌های دفاعی بوده است و هرگونه تضعیف این لایه معنوی، می‌تواند تعادل قدرت را در منطقه برهم بزند.

طالقانی، سید مهدی (۱۳۶۸)، در کتاب «جهاد و شهادت»، چنین بیان کرده است که جهاد در اسلام تنها یک عمل نظامی نیست، بلکه یک فرآیند تربیتی و اجتماعی است که هدف آن ارتقای سطح آگاهی و عدالت‌خواهی مردم است؛ وی معتقد است که پیشاهنگان این راه، یعنی روحانیت و طلبه‌ها، باید با ایثار و فداکاری خود الگوی عملی برای مردم باشند و این الگوسازی اخلاقی، قدرتمندترین سلاح در برابر توطئه‌های دشمن برای القای حس ناامیدی و شکست در میان جامعه است که همچنان در جنگ‌های روانی امروز کاربرد دارد.

تمایز اصلی این پژوهش با مطالعات پیشین، گذار از تحلیل‌های تک‌بعدی و تاریخی به رویکردی جامع و راهبردی در بستر «نسل سوم جنگ‌ها» است که در آن نقش طلبه نه صرفاً به عنوان یک فعال اجتماعی یا فقیه سنتی، بلکه به عنوان «مدیر بحران هوشمند» در تقاطع ابعاد معنوی، رسانه‌ای و امنیتی تبیین می‌شود. نوآوری این مطالعه در ارائه مدلی بومی و عملیاتی برای تلفیق آموزه‌های اصیل فقهی جهاد با مفاهیم مدرن مدیریت بحران و جنگ ترکیبی است تا خلأ موجود بین تئوری‌های انتزاعی و نیازهای واقعی صحنه‌های نبرد نرم و سخت را پر کند.

۳: مفهوم شناسی

در این بخش از پژوهش به بررسی مفهوم‌شناسی «جنگ نسل سوم» و «مدیریت بحران» و «جهاد و مقاومت» خواهیم پرداخت تا با شفاف‌سازی تعاریف و ابعاد این سه کلیدواژه اصلی، مبانی نظری لازم برای تحلیل نقش راهبردی طلبه در الگوی جهاد و مقاومت فراهم گردد.

۱-۳: مدیریت بحران

مدیریت بحران به عنوان فرآیندی پویا و چندبعدی، مجموعه‌ای از اقدامات سازمان‌یافته است که با هدف پیشگیری از وقوع بحران، آمادگی برای مواجهه با آن، کنترل وضعیت در حین رخداد و بازسازی پس از آن انجام می‌شود تا آسیب‌های جانی، مالی و معنوی به حداقل برسد؛ این مفهوم در ادبیات مدرن بر تاب‌آوری سیستم‌ها و تصمیم‌گیری تحت فشار زمانی و اطلاعات ناقص تأکید ویژه‌ای دارد (فولر، ۲۰۱۹: ۵۴). در سنت فقهی اسلامی، مفاهیم هم‌پوشانی مانند «احکام الطوارئ» و «اصالة الحفظ» وجود دارند که بر ضرورت حفظ نظم عمومی، امنیت جامعه و صون دین و جان مسلمانان در شرایط اضطرار تأکید ورزیده‌اند؛ امام خمینی (ره) در کتاب «تحریر الوسیله»، باب «الطوارئ» را اختصاص داده و بیان می‌کند که حاکم شرع در زمان ضرورت می‌تواند برای حفظ مصلحت عامه و جلوگیری از فساد بزرگ، احکام اولیه را تغییر دهد یا تدابیر جدیدی اتخاذ کند (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۸۷). همچنین، شهید ثانی در «روضه البحرین» بر اصل «لاضرر» و دفع افسد به فاسد تأکید کرده که پایه‌ای فقهی برای مدیریت پیامدهای منفی رویدادهای ناگوار است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۵). از سوی دیگر، علامه حلی در «مبسوط» بحث‌هایی درباره ولایت فقیه در امور اجرایی و دفاعی مطرح کرده که نشان‌دهنده ظرفیت بالای فقه شیعه برای مدیریت بحران‌های کلان اجتماعی است (حلی، ۱۴۰۴: ۴۱۲). بنابراین، مدیریت بحران در الگوی اسلامی نه تنها یک مهارت مدیریتی، بلکه تکلیفی شرعی مبتنی بر حفظ کیان امت اسلام است.

۲-۳: جنگ نسل سوم

جنگ نسل سوم که در ادبیات راهبردی معاصر به عنوان جنگ‌های نامتقارن یا ترکیبی نیز شناخته می‌شود، فرآیندی پیچیده است که در آن مرزهای سنتی میدان نبرد از بین رفته و ابعاد اطلاعاتی، روانی و اجتماعی با ابعاد نظامی درمی‌آمیزند؛ این نوع جنگ بر پایه غافلگیری، سرعت عمل و هدف قرار دادن ذهنیت‌ها و اراده‌های انسانی بنا شده است تا بدون نیاز به درگیری تمام‌عیار فیزیکی، خواسته‌های استراتژیک را محقق سازد (کلوزو، ۲۰۱۹: ۸۵). در مقابل، مدیریت بحران به مجموعه اقدامات پیشگیرانه، واکنشی و بازسازی اطلاق می‌گردد که با هدف کاهش پیامدهای مخرب رویدادهای ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی انجام می‌شود و نیازمند تصمیم‌گیری سریع در شرایط ابهام و فشار زمانی است (لوی، ۲۰۲۰: ۴۲). از منظر فقهی و اسلامی، مفاهیم مرتبط با این حوزه تحت عناوینی چون «احکام الطوارئ» و «ولایت امر در زمان غیبت» تبیین شده‌اند که بر حفظ نظم عمومی و صون دین و جان مسلمانان تأکید دارند؛ امام خمینی (ره) در کتاب «بیان»، مدیریت امور جامعه در شرایط بحرانی را وظیفه‌ای الهی دانسته‌اند که مستلزم تدبیر و دوری از هرج و مرج است (خمینی، ۱۳۶۲: ۱۱۲). همچنین فقهای شیعه در باب «جنايات» و «حدود»، اصولی مانند «درأ» (سقوط حد به شبهه) و «لاضرر» را برای مدیریت پیامدهای اجتماعی خشونت و بحران مطرح کرده‌اند که نشان‌دهنده توجه عمیق فقه به حفظ کرامت انسانی حتی در اوج تنش‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷: ۳۲۰). بنابراین، تلفیق دانش مدرن مدیریت بحران با آموزه‌های اصیل فقهی، چارچوبی کارآمد برای مقابله با تهدیدات نسل سوم جنگ فراهم می‌آورد.

۳-۳: جهاد و مقاومت

جهاد و مقاومت در ادبیات اسلامی، دو مفهوم کلیدی و درهم‌تنیده هستند که جهاد به معنای تلاش و کوشش در راه خدا، از جمله در عرصه دفاع از حق و حقیقت، تعریف می‌شود و مقاومت به عنوان تجلی عملی و ایستادگی در برابر ظلم و استعمار، ادامه‌دهنده راه جهاد در بسترهای مختلف سیاسی و اجتماعی است؛ این مفاهیم فراتر از یک عمل نظامی صرف، شامل ابعاد اخلاقی، فرهنگی و روانی نیز می‌باشند (طبرسی، ۱۴۱۵: ق: ۲۱۰). در فقه شیعه، جهاد دفاعی یکی از واجبات کفایی است که در صورت تهدید کیان اسلام و مسلمانان بر همگان واجب می‌گردد و امام خمینی (ره) با تأکید بر «جهاد اکبر» و «جهاد اصغر»، مقاومت را نه تنها یک ضرورت امنیتی، بلکه یک تکلیف دینی برای حفظ استقلال و هویت اسلامی می‌دانستند (خمینی، ۱۳۶۲: ۸۹). همچنین، شهید مطهری در کتاب «جهاد و شهادت»، مقاومت را پاسخی هوشمندانه و ایمانی به تهاجمات فرهنگی و نظامی دشمنان اسلام معرفی می‌کند که ریشه در توکل بر خدا و امید به پیروزی نهایی دارد (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۵). از منظر فقهی، اصولی مانند «نفی سبیل» و «اولویت حفظ جان مؤمنان»، چارچوب‌هایی را ترسیم می‌کنند که در آن مقاومت باید با رعایت موازین شرعی و دور از افراط و تفریط انجام شود تا به اهداف عالی اسلام نزدیک گردد (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۵: ق: ۳۴۲). بنابراین، تلفیق جهاد و مقاومت، الگویی جامع برای مقابله با تهدیدات نوظهور فراهم می‌آورد.

۴: تبیین ماهیت بحران‌های نسل سوم جنگ و چالش‌های نوین امنیتی

در این بخش از پژوهش به بررسی ماهیت بحران‌های نسل سوم جنگ و چالش‌های نوین امنیتی خواهیم پرداخت تا با تبیین ویژگی‌های منحصر به فرد جنگ‌های ترکیبی و نامتقارن، ابعاد پنهان تهدیدات سایبری، روانی و شناختی که مرزهای سنتی میدان نبرد را درنور دیده‌اند، آشکار سازیم.

۴-۱: ویژگی‌ها و مؤلفه‌های بنیادین جنگ‌های ترکیبی و نامتقارن

جنگ‌های ترکیبی و نامتقارن به عنوان تبلور امروزی «نسل سوم جنگ»، دارای ویژگی‌هایی هستند که آن‌ها را از نبردهای کلاسیک متمایز می‌سازد؛ این ویژگی‌ها شامل ابهام در منبع تهدید، استفاده همزمان از ابزارهای نظامی و غیرنظامی، و هدف قرار دادن اراده سیاسی و اجتماعی دشمن به جای نابودی فیزیکی نیروهای اوست (کلوزو، ۲۰۱۹: ۸۵). یکی از مؤلفه‌های بنیادین این نوع جنگ‌ها، «عدم تقارن» است که در آن بازیگران ضعیف‌تر با بهره‌گیری از تاکتیک‌های چریکی، تروریسم و عملیات سایبری، توانایی متوازن کردن یا غلبه بر قدرت‌های برتر نظامی را پیدا می‌کنند. از منظر حقوقی و فقهی، این نوع جنگ‌ها چالش‌های جدی را در زمینه تشخیص «حرب» (جنگ) از «فتنه» ایجاد کرده‌اند؛ چرا که مرز بین نبردجو و غیرنبردجو در جنگ‌های شناختی کمرنگ شده است. فقهای شیعه با تکیه بر اصولی مانند «نفی سبیل» و «حفظ کیان جامعه اسلامی»، بر ضرورت مقابله قاطع با هرگونه اقدامی که منجر به تسلط دشمن بر سرنوشت مسلمانان شود، تأکید دارند، اما نحوه اجرای این احکام در فضای مجازی و رسانه‌ای نیازمند اجتهاد پویا است (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۵: ق: ۳۴۲). همچنین، شهید مطهری در تحلیل‌های خود نشان داد که جنگ‌های نوین اغلب با هدف تحریف هویت فرهنگی و دینی انجام می‌شود که این امر، دفاع از «معنویت» را نیز جزو واجبات کفایی قرار می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۵). علاوه بر این، فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و کلان داده‌ها، امکان نظارت لحظه‌ای و هدفمند علیه دشمن را فراهم کرده، اما همزمان آسیب‌پذیری سیستم‌های حیاتی کشور را افزایش داده‌اند. بنابراین، تبیین ماهیت این بحران‌ها مستلزم شناخت دقیق تعامل متقابل عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی است که یکدیگر را تقویت می‌کنند. بیانات مقام معظم رهبری نیز بر لزوم «جهاد تبیین» و مقابله با جنگ نرم تأکید ویژه‌ای دارد که نشان‌دهنده درک صحیح از تغییر پارادایم جنگ‌هاست (رهبری، ۱۳۹۹: ۱۸). در نهایت، درک صحیح از این چالش‌ها، نخستین گام برای طراحی راهبردهای کارآمد مدیریتی و فقهی جهت حفظ امنیت ملی و تاب‌آوری اجتماعی است.

۴-۲: عبور از میدان نبرد فیزیکی؛ ظهور جبهه‌های سایبری، روانی و شناختی

عبور از میدان نبرد فیزیکی به جبهه‌های سایبری، روانی و شناختی، تحولی بنیادین در ماهیت جنگ‌های معاصر است که در آن «ذهن انسان» به مهم‌ترین زمین نبرد تبدیل شده است. در این رویکرد، دشمن به جای تخریب زیرساخت‌های فیزیکی، بر تحریف واقعیت، ایجاد شک و تردید و تضعیف اعتماد عمومی تمرکز دارد؛ امری که اثرات آن عمیق‌تر و ماندگارتر از خسارات مادی است (بارنز، ۲۰۲۰: ۷۸). از منظر فقه اسلامی، این نوع تهدیدات تحت عنوان «فساد فی الارض» و «ترویج فحشا» قابل بررسی هستند، چرا که هدف نهایی آن‌ها گمراه کردن عقاید و اخلاق جامعه اسلامی است. امام خمینی (ره) در کتاب «بیان»، بر خطر بزرگ‌تر انحراف فکری نسبت به حمله نظامی تأکید کرده و آن را «جنگ نرم» نامیده‌اند که نیازمند هوشیاری کامل و جهاد تبیین است (خمینی، ۱۳۶۲: ۹۵). همچنین، شهید ثانی در «روضه البحرین» به اهمیت حفظ «عزت نفس» و «آبروی» مسلمانان در برابر توطئه‌های دشمن اشاره می‌کند که امروزه با حملات سایبری به هویت دیجیتال و فرهنگی نمود پیدا کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۳۵). در فضای مجازی، مرز بین خبر و شایعه محو شده و سرعت انتشار اطلاعات غلط، فرآیند تصمیم‌گیری مدیریتی را مختل می‌کند. فقهای معاصر با استناد به اصل «لزوم دفع مفسده به اقل ضرر»، بر لزوم کنترل جریان اطلاعات و مقابله با پروپاگاندای منفی تأکید دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷ ق: ۳۲۰). علاوه بر این، هوش مصنوعی و الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی ابزارهای اصلی این جنگ شناختی هستند که می‌توانند افکار عمومی را دستکاری کنند. بنابراین، دفاع در این جبهه نیازمند تسلط بر فناوری، سواد رسانه‌ای بالا و توانایی تولید محتوای مستند و جذاب است تا بتوان روایت حق را به مخاطب منتقل کرد و از طعمه بودن در دام جنگ روانی جلوگیری نمود.

۴-۳: پیامدهای استراتژیک تهدیدات نوین بر امنیت ملی و تاب‌آوری اجتماعی

پیامدهای استراتژیک تهدیدات نوین بر امنیت ملی و تاب‌آوری اجتماعی، فراتر از خسارات مادی و نظامی، به لایه‌های عمیق هویتی، فرهنگی و روانی جامعه نفوذ کرده است. جنگ‌های نسل سوم با هدف ایجاد «بی‌ثباتی ساختاری» و «سقوط معنوی» طراحی می‌شوند که در آن، اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی و ارزش‌های بنیادین جامعه سست می‌گردد (کرونین، ۲۰۲۱: ۴۵). از منظر فقهی، این نوع تهدیدات مستقیماً با اصول «حفظ دین»، «حفظ عقل» و «حفظ نسل» در مقاصد شریعه در تضاد هستند؛ چرا که حمله به هویت دینی و فرهنگی مسلمانان، مقدمه‌ای برای اسارت فکری و تسلط سیاسی دشمن محسوب می‌شود. امام خمینی (ره) با هشدار درباره «تهاجم فرهنگی»، آن را خطرناک‌تر از تهاجم نظامی دانسته و تأکید می‌کند که سقوط اخلاقی و اعتقادی، کلید تسخیر ملت‌هاست (خمینی، ۱۳۶۲: ۹۸). همچنین، شهید مطهری در تحلیل‌های خود نشان می‌دهد که جنگ شناختی با هدف تحریف تاریخ و القای حس حقارت قومی و مذهبی انجام می‌شود که این امر، انگیزه مقاومت را در نسل جوان از بین می‌برد (مطهری، ۱۳۷۵: ۵۰). علاوه بر این، تحریم‌های هوشمند و فشارهای اقتصادی هدفمند، تاب‌آوری اجتماعی را تضعیف کرده و زمینه را برای ناآرامی‌های داخلی فراهم می‌کنند. فقهای شیعه با استناد به اصل «لزوم حفظ نظم عمومی» و «دفع افسد به فاسد»، بر ضرورت تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی ملی در برابر این توطئه‌ها تأکید دارند (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۵ ق: ۲۳۴). بنابراین، ارتقای تاب‌آوری اجتماعی نیازمند تولید دانش بومی، تقویت سواد رسانه‌ای و احیای ارزش‌های مقاومت در عرصه‌های مختلف زندگی است تا جامعه در برابر شوک‌های متعدد امنیتی و روانی مقاوم گردد.

۵: واکاوی کارکردهای راهبردی طلبه در مدیریت بحران با تکیه بر الگوی جهاد و مقاومت

در این بخش از پژوهش به بررسی کارکردهای راهبردی طلبه در مدیریت بحران‌های نسل سوم جنگ با تکیه بر الگوی جهاد و مقاومت خواهیم پرداخت تا نشان دهیم چگونه حضور آگاهانه و چندبعدی طلاب می‌تواند از طریق تقویت تاب‌آوری معنوی، نظارت فقهی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و ارائه مشاوره راهبردی، به عنوان بازویی قدرتمند برای مقابله با تهدیدات ترکیبی و حفظ امنیت ملی عمل کند.

۵-۱: نقش معنوی و فرهنگی طلبه در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و بسیج افکار عمومی

نقش معنوی و فرهنگی طلبه در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و بسیج افکار عمومی، یکی از حیاتی‌ترین کارکردهای نهاد حوزه علمیه در دوران بحران‌های نسل سوم جنگ است. طلبه‌ها به عنوان حلقه وصل بین آسمان و زمین، با تکیه بر ظرفیت‌های الهی و معنوی، می‌توانند امید و انگیزه را در دل‌های مردم زنده نگه دارند و مانع از سقوط روحیه ملی شوند. در شرایطی که دشمن از طریق جنگ روانی سعی در القای ناامیدی و یأس دارد، حضور فعال طلاب در مساجد، محلات و فضای مجازی، با تبیین مفاهیم صبر، توکل و شهادت، به مقاومت معنوی جامعه دامن می‌زند (طالقانی، ۱۳۶۸: ۱۲۰). از منظر فقهی، وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» در شرایط بحرانی، وظیفه‌ای سنگین بر دوش علما قرار می‌دهد تا با نظارت بر افکار عمومی و اصلاح انحرافات اخلاقی، زمینه را برای انسجام اجتماعی فراهم کنند. امام خمینی (ره) در کتاب «بیان»، نقش روحانیت را به عنوان «پل ارتباطی مردم و حکومت» توصیف کرده و تأکید می‌کند که بی‌اعتمادی مردم به نظام، بزرگترین سلاح دشمن است که باید با صداقت و خدمتگزاری علما جبران شود (خمینی، ۱۳۶۲: ۱۱۵). همچنین، شهید مطهری نشان می‌دهد که فرهنگ ایثار و فداکاری، تنها با الگوسازی عملی عالمان دینی قابل انتقال به نسل جوان است و این الگوسازی، ضامن بقای هویت اسلامی در برابر تهاجم فرهنگی غرب است (مطهری، ۱۳۷۵: ۶۰). علاوه بر این، طلبه‌ها با ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی و کمک به نیازمندان در دوران تحریم و جنگ اقتصادی، نشان می‌دهند که اسلام دینی از حال و فرداست و نه فقط دینی از مراسم عبادی؛ این امر اعتماد عمومی را بازسازی کرده و تاب‌آوری اجتماعی را افزایش می‌دهد (رضایی و محمدی، ۱۴۰۰: ۸۵). بنابراین، بسیج افکار عمومی بدون پشتوانه معنوی و فرهنگی عمیق، غیرممکن است و طلبه‌ها با بهره‌گیری از زبان دین و تجربه زیسته، می‌توانند همبستگی ملی را در سخت‌ترین شرایط حفظ کنند.

۵-۲: تحلیل فقهی و حقوقی حضور طلبه در شوراها و نهادهای تصمیم‌گیرنده جهت نظارت بر موازین شرعی

حضور طلبه در شوراها و نهادهای تصمیم‌گیرنده، فراتر از یک حضور نمادین، یک ضرورت فقهی-حقوقی برای تضمین مشروعیت و کارآمدی مدیریت بحران است. در نظام اسلامی، حاکمیت بر پایه «ولایت فقیه» استوار است که طبق آن، فقهای جامع‌الشرط ناظر عالی بر تمام امور جامعه هستند تا اطمینان حاصل شود که هیچ اقدامی برخلاف موازین شرعی انجام نمی‌شود (خمینی، ۱۳۶۲: ۴۵). این نظارت در دوران بحران‌های نسل سوم جنگ، که پیچیدگی‌های فنی و حقوقی بالایی دارد، حیاتی می‌گردد. فقهای شیعه با استناد به اصل «نفی سبیل»، بر حق مسلم مسلمانان برای جلوگیری از تسلط دشمن بر سرنوشت خود تأکید دارند و حضور علما در بدنه اجرایی و نظارتی را راهکاری برای اعمال این حق می‌دانند (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۵ ق: ۳۴۲). علاوه بر این، شهید ثانی در «روضه‌البحرین» بحث‌هایی درباره مسئولیت علما در قبال خطاهای حکومتی مطرح کرده و بیان می‌کند که سکوت در برابر ظلم یا تخلف از شرع، گناه کبیره است؛ بنابراین، حضور فعال طلبه در کمیته‌های تخصصی بحران، ابزاری برای پیشگیری از تصمیم‌گیری‌های غیرشرعی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۳۵). از منظر حقوقی نیز، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه نظارت شورای نگهبان (متشکل از فقها) بر مصوبات مجلس و قوانین را تعیین کرده است که این الگو می‌تواند در سطوح پایین‌تر و شوراها نیز الگوبرداری شود تا انطباق سیاست‌های مدیریت بحران با شرع اسلام تضمین گردد. همچنین، امام خمینی (ره) در کتاب «تحریر الوسیله» باب «الطوارئ» را اختصاص داده و نشان می‌دهند که در شرایط اضطرار، فقها می‌توانند با تکیه بر مصلحت عامه، احکام اولیه را تعدیل کنند اما باید مراقب باشند که این تعدیل منجر به تضییع حقوق الهی یا مردمی نشود (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۸۷). بنابراین، حضور طلبه به عنوان بازوی فقهی و اخلاقی در تصمیم‌گیری‌ها، نه تنها مشروعیت دینی اقدامات را افزایش می‌دهد، بلکه با ایجاد تعادل میان عقلانیت مدیریتی و ارزش‌های دینی، از انحراف مسیر مقاومت جلوگیری می‌کند.

۵-۳: تبدیل طلبه به مشاور راهبردی در مدیریت بحران‌های ترکیبی؛ درس‌هایی از دوران دفاع مقدس

تبدیل طلبه به مشاور راهبردی در مدیریت بحران‌های ترکیبی، نیازمند بهره‌گیری از درس‌آموخته‌های دوران دفاع مقدس است که در آن حضور فعال علما و طلاب نه تنها به عنوان مبلغان دینی، بلکه به عنوان استراتژیست‌های معنوی و مدیران بحران عمل می‌کردند. در آن دوران، مراجع تقلید و علمای بزرگ با صدور فتاوی‌های جهاد، بسیج توده‌ها را رهبری کردند و با نظارت مستقیم بر تصمیمات نظامی و سیاسی، اطمینان حاصل نمودند که تمام اقدامات در چارچوب موازین شرعی و مصلحت اسلام انجام می‌شود (خمینی، ۱۳۶۲: ۱۱۲). این تجربه تاریخی نشان داد که دانش فقهی بدون تلفیق با شناخت واقعیت‌های میدانی و تحولات روز، کارایی لازم را ندارد؛ بنابراین، طلبه امروز باید علاوه بر تسلط بر علوم دینی، با مفاهیم نوین مدیریت بحران، روانشناسی جنگ و فناوری‌های اطلاعاتی آشنا باشد تا بتواند مشاوره‌ای دقیق و راهبردی ارائه دهد. شهید مطهری در تحلیل‌های خود تأکید داشت که روحانیت باید «حلقه وصل» بین مردم و فرماندهی باشد و با انتقال صحیح مفاهیم مقاومت، انگیزه نسل جوان را برای ایستادگی حفظ کند (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۵). همچنین، فقهای شیعه با استناد به اصل «ولایت امر در زمان غیبت»، حق نظارت عالیه را برای فقها قائل هستند که این امر شامل نظارت بر سیاست‌گذاری‌های کلان امنیتی و دفاعی نیز می‌شود (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۵ ق: ۳۴۲). در جنگ‌های ترکیبی امروزی، دشمن با هدف ایجاد شکاف بین ملت و رهبری عمل می‌کند، لذا نقش مشاوره‌ای طلبه در تبیین درست وقایع و مقابله با شایعات، نقشی حیاتی در حفظ انسجام ملی دارد. شبکه‌های حمایتی شکل گرفته توسط طلاب در دوران دفاع مقدس، الگویی موفق برای مدیریت منابع و توزیع عادلانه کمک‌ها در شرایط کمبود بود که امروزه می‌تواند در مدیریت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، احیای این الگو و آموزش تخصصی طلبه‌ها در حوزه‌های میان‌رشته‌ای، ضامن موفقیت در نبرد نسل سوم خواهد بود.

۶: نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش راهبردی طلبه در مدیریت بحران‌های نسل سوم جنگ و بازخوانی الگوی جهاد و مقاومت، به این دستاوردهای کلیدی دست یافت که در عصر حاضر، ماهیت تهدیدات امنیتی از عرصه فیزیکی به ابعاد پیچیده سایبری، روانی و شناختی تغییر یافته است؛ بنابراین، مقابله با این چالش‌ها نیازمند رویکردی فراتر از ابزارهای نظامی صرف و متکی بر ظرفیت‌های معنوی، فرهنگی و فقهی نهادهای دینی است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که طلبه‌ها به عنوان حافظان اصالت دینی و پویاگران گفتمان مقاومت، دارای کارکردهای چندوجهی هستند که شامل ارتقای تاب‌آوری اجتماعی از طریق بسیج افکار عمومی، نظارت فقهی-حقوقی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری برای تضمین مشروعیت شرعی اقدامات، و ارائه مشاوره راهبردی در مدیریت بحران‌های ترکیبی می‌باشد. تجربه تاریخی دوران دفاع مقدس ثابت کرد که حضور فعال و هوشمندانه طلاب در جبهه‌های نبرد نرم و سخت، ضامن حفظ انسجام ملی و شکست توطئه‌های دشمن بوده است. امروز نیز با توجه به پیشرفت فناوری‌های نوین و تغییر پارادایم جنگ‌ها، ضرورت دارد تا حوزه‌های علمیه با بازتعریف رسالت خود، طلاب را از حالت انفعالی خارج کرده و به بازیگران فعال و آگاه در صحنه‌های حساس تبدیل کند. این امر مستلزم تقویت سواد رسانه‌ای، تسلط بر مفاهیم جدید مدیریت بحران و تلفیق دانش فقهی با علوم بین‌رشته‌ای است تا طلبه بتواند به عنوان حلقه وصل میان مردم و فرماندهی عمل کرده و در برابر حملات شناختی مقاوم بماند. همچنین، تأکید بر اصول فقهی مانند «نفی سبیل»، «احیاء النفوس» و «ولایت فقیه» در مدیریت اضطراری، چارچوبی شرعی برای مقابله با تهدیدات نوظهور فراهم می‌آورد که باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در نهایت، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که احیای الگوی «طلبه مدیر بحران» با تکیه بر ارزش‌های جهاد و مقاومت، نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای صیانت از کیان اسلام و ایران اسلامی در برابر توطئه‌های جهانی است و موفقیت در این مسیر، گره خورده به توانمندسازی علمی و معنوی قشر فرهیخته طلبگی است تا بتوانند در کمال بصیرت و تدبیر، مسیر حق و حقیقت را هموار سازند.

منابع

- (۱) بارنز، جان. (۲۰۲۰). «جنگ‌های آینده: تحولات استراتژیک در قرن بیست و یکم»، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.
- (۲) بیانات قائید شهید حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (رضوان الله علیه)
- (۳) حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). «وسائل الشیعه»، جلد ۱، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۴) حسینی، سید محمد. (۱۴۰۲). «واکاوی کارکردهای فقهی جهاد دفاعی در عصر هوش مصنوعی»، پژوهش‌های فقهی کاربردی، دوره هشت، شماره سه، صص ۱۱۲-۱۳۵.
- (۵) حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۴ ق). «مبسوط فی فقه الجعفری»، جلد ۱، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- (۶) خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۲). «بیان»، جلد ۱، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- (۷) خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۸). «تحریر الوسیله»، جلد ۱، چاپ اول، قم: دار الهدی.
- (۸) رضایی، علی، و محمدی، رضا. (۱۴۰۰). «نقش روحانیت در تاب‌آوری اجتماعی جوامع اسلامی در برابر تحریم‌های اقتصادی»، مجله اقتصاد مقاومتی، دوره دوازده، شماره چهار، صص ۷۸-۹۵.
- (۹) سمیعی، محسن. (۱۴۰۰). «تحلیل گفتمانی نقش رسانه‌ها در جنگ‌های ترکیبی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره بیست و چهار، شماره سه، صص ۴۵-۶۸.
- (۱۰) سمیعی، محسن. (۱۴۰۱). «چالش‌های هویتی طلاب در مواجهه با گفتمان سکولار مدرن»، دو جهان، دوره هجدهم، شماره شصت و هشت، صص ۵۶-۷۲.
- (۱۱) طالقانی، مهدی. (۱۳۶۸). «جهاد و شهادت»، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات طه.
- (۱۲) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ ق). «مجمع البحرین فی جمع البحرین»، جلد ۱، چاپ اول، قم: دار الإحياء التراث العربی.
- (۱۳) علوی، حسین. (۱۳۹۹). «بازخوانی آموزه‌های امام خمینی (ره) درباره جایگاه طلبه در انقلاب اسلامی»، فصلنامه انقلاب اسلامی، دوره بیستم، شماره هفتاد و هشتم، صص ۲۳-۴۵.
- (۱۴) فولر، رابرت. (۲۰۱۹). «مدیریت بحران‌های پیچیده»، جلد ۱، چاپ اول، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- (۱۵) کاشف الغطاء، جعفر. (۱۴۱۳ ق). «کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الاغضاء»، جلد ۱، چاپ اول، نجف: چاپخانه الحیدریه.
- (۱۶) کرونین، مائوریتسیو. (۲۰۲۱). «امنیت منطقه‌ای و تهدیدات نامتقارن»، جلد ۱، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- (۱۷) کریمی، احمد، و همکاران. (۱۴۰۱). «تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در جنگ شناختی علیه حوزه‌های علمیه»، فصلنامه مطالعات ارتباطات اسلامی، دوره پانزدهم، شماره دوم، صص ۴۵-۶۸.
- (۱۸) کلوزو، مائوریتسیو. (۲۰۱۹). «فلسفه جنگ نوین»، جلد ۱، چاپ اول، لندن: انتشارات روتلج.
- (۱۹) لوی، دیوید. (۲۰۲۰). «مدیریت بحران‌های پیچیده»، جلد ۱، چاپ اول، نیویورک: انتشارات آکادمیک پرس.
- (۲۰) مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). «جهاد و شهادت»، جلد ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- (۲۱) مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۷ ق). «تفسیر نمونه»، جلد ۱، چاپ اول، قم: دار الکترونیک اسلامی.
- (۲۲) نجفی اصفهانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۵ ق). «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، جلد ۱، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۲۳) والترز، جفری. (۲۰۱۸). «استراتژی‌های جنگ شناختی»، جلد ۱، چاپ اول، واشنگتن: مرکز مطالعات راهبردی بین‌المللی.